hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

روزنامه هم‌میهن
www.hammihanonline.ir

نگاه آخر

دراماتورژی اینفلوئنسرهای ایرانی

قادر باستانی‌تبریزی
پژوهشگر علوم ارتباطات

ایران پس از برزیل، دومین کشور جهان از نظر تعداد اینفلوئنسرها شده است. لابد این جایگاه را به‌دلیل محبوبیت گسترده شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی جذاب در فضای آنلاین، فرهنگ خودنمایی دیجیتال و نقش کلیدی در تبلیغ کالا کسب کردند. این افراد، فراتر از چهره محبوب اینترنتی، به معماران نوین فرهنگ و اقتصاد تبدیل شده‌اند و با نفوذ گسترده خود، سلیقه و هویت میلیون‌ها نفر را شکل می‌دهند. حضور فعال آنها در فضای آنلاین، بازتابی است از تحولات عمیق در مناسبات قدرت و ارتباط در جامعه امروز ایران. اینفلوئنسرها با ساختن تصویری قابل دسترس و جالب از خود، شهرت پیدا می‌کنند و با اشتراک‌گذاری بخش‌هایی از زندگی روزمره، پاسخ مستقیم به نظرات و روایت داستان‌های شخصی، نوعی رابطه یک‌طرفه ولی احساسی با مخاطب ایجاد می‌کنند. این حس نزدیکی، کلید اصلی نفوذ آنها در رفتار و تصمیم‌گیری‌های دنبال‌کنندگان است. اگر در گذشته خانواده، مدرسه و همسالان نقش اصلی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان داشتند، اکنون اینفلوئنسرها هم به این فهرست افزوده شده‌اند. نوجوانان برای الگوگرفتن در سبک زندگی، مد، آرایش و حتی باورهای سیاسی، به صفحات اینفلوئنسرها مراجعه می‌کنند. در اقتصاد امروز، «توجه» کالایی کمیاب و ارزشمند است. پلتفرم‌ها و الگوریتم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که این توجه را جذب و حفظ کنند و اینفلوئنسرها واسطه اصلی این چرخه‌اند. آنها برند شخصی خود را مانند یک شرکت اداره می‌کنند تا جریان توجه را مداوم نگه دارند، اما واقعیت این است که بخش عمده درآمد و شهرت، تنها به درصد بسیار کمی از چهره‌های برتر می‌رسد. فضای رقابتی شدید باعث شده بسیاری از فعالان این حوزه برای جلب دنبال‌کننده یا افزایش فروش، به فریبکاری یا اغراق روی بیاورند؛ از نمایش زندگی لوکس و غیرواقعی گرفته تا تبلیغ محصولات بی‌کیفیت. استانداردهای سختگیرانه زیبایی که اغلب بر پایه الگوهای غربی شکل گرفته‌اند، فشار روانی زیادی بر افراد، به‌ویژه زنان و دختران جوان، وارد می‌کند و در مواردی موجب افزایش جراحی‌های زیبایی و تغییرات شدید ظاهری شده است. اروینگ گافمن، با مدل دراماتورژیک خود، به ما می‌آموزد که کنشگران اجتماعی در «صحنه»های عمومی، نمایش‌هایی از فضیلت، اعتبار و هویت ارائه می‌کنند تا برداشت‌های دلخواه از خود را شکل دهند. اینفلوئنسرها با بهره‌گیری از این نمایش‌های برنامه‌ریزی شده، فضیلت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و انسان‌دوستی را به گونه‌ای جلوه‌گر می‌سازند که هم مخاطب را تحت‌تأثیر قرار دهد و هم سرمایه نمادین آنها را تقویت کند. درواقع این نمایش‌ها ترکیبی از تلاش برای جلب اعتماد عمومی و کسب اعتبار اجتماعی است که گاه مرز باریکی میان اصالت و نمایشگری حرفه‌ای وجود دارد. در فضای فرهنگ دیجیتال ایران، اینفلوئنسرها نقش‌های متنوع و مهمی در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند و نشان‌دهنده تغییرات عمیق در رسانه‌ها و ارتباطات هستند. اینفلوئنسرهای طنز مانند محمدامین کریم‌پور و محسن ایزی با زبان ساده و شوخی‌های روزمره، ارتباط عاطفی قوی با مخاطبان برقرار می‌کنند، اما گاهی نقدهایی به محتوای شوخی‌هایشان وارد می‌شود که ممکن است پیامدهای منفی اجتماعی داشته باشد. بیوتی بلاگرها مثل «صدف بیوتی» جریان جدیدی در سبک زندگی و زیبایی ایرانیان ایجاد کرده‌اند و با آموزش و معرفی برندها، به بازتعریف هویت زیبایی و افزایش اعتمادبه‌نفس کمک کرده‌اند. اینفلوئنسرهای گردشگری و سبک زندگی مانند «مونا سیدی» با به اشتراک‌گذاری سفرها و تجربیات زندگی، فضایی آموزشی و انگیزشی برای مخاطبان ایجاد می‌کنند و آنها را با واقعیت‌های تازه و متنوع جهان آشنا می‌سازند. پدیده جدید و چالش‌برانگیز اینفلوئنسرهای خردسال مثل «آرات حسینی» که از کودکی شهرت یافته‌اند، علاوه بر نفوذ بالا، مسائل اخلاقی و نگرانی‌هایی درباره بهره‌کشی، سلامت روان و حریم خصوصی کودکان به همراه دارد که نیازمند توجه و مراقبت ویژه است. گسترش اینفلوئنسرها در ایران پیامدهای گسترده و پیچیده‌ای داشته است؛ از تغییرات بنیادین در الگوهای اشتغال و تحولات سرمایه فرهنگی گرفته تا نیاز جدی به چارچوب‌های قانونی شفاف و سیاست‌گذاری دقیق برای حمایت و کنترل فضای دیجیتال. اگرچه اینفلوئنسرها فرصت‌های شغلی و فرهنگی تازه‌ای فراهم کرده و صدای گروه‌های کم‌دیده را تقویت کرده‌اند، اما تمرکز قدرت در دست تعداد محدودی، تشدید نابرابری اقتصادی و اجتماعی، فشار روانی بر مخاطبان و تحکیم جوامع بسته از چالش‌های جدی و مهم این عرصه است. این پدیده نه‌تنها نمادی از عصر دیجیتال، بلکه بازتابی از پیچیدگی‌ها و تضادهای جامعه معاصر است که نیازمند مدیریت هوشمندانه، متعادل و مسئولانه برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با مخاطرات است.

ابوعمیره

سلیمان العبید

شلیک به قلب پله فلسطین

شهادت ورزشکاران فلسطینی صدای اعتراض محمد صلاح و اریک کانتونا اسطوره فرانسوی را هم درآورد

سپهر خرمی
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

دوازدهم تیرماه امسال «ابو عمیره»، بازیکن سابق تیم‌هایی چون الصداقه و الزیتون فلسطین، با حملات نیروهای اسرائیلی به مناطق مسکونی به شهادت رسید. این اتفاق در حالی رخ داد که با اعلام فدراسیون فوتبال فلسطین، از هفت اکتبر تاکنون جامعه ورزش فلسطین در جریان حملات رژیم صهیونیستی آسیب جدی دیده و شمار کل شهدای ورزش این کشور تاکنون به بیش از ۶۰۰ نفر رسیده است. روز گذشته اما درگذشت یکی دیگر از پیشکسوتان فوتبال فلسطین که شهرت بیشتری نسبت به سایر شهدای ورزشکار داشت با واکنش محمد صلاح، ستاره مصری باشگاه لیورپول، همراه شد و همین واکنش کافی بود تا بار دیگر سوالی مطرح شود که چه تعداد افراد بی‌گناه در حملات و جنگ تحمیلی علیه مردم فلسطین در حال کشته‌شدن هستند؟ در این گزارش قصد داریم فوتبال فلسطین و البته تبعات آنها در روزهای جنگی را مورد بررسی قرار دهیم.

شهادت پله فلسطینی

شهادت ورزشکاران فلسطینی اما به دیروز و امروز ختم نشده است. جدیدترین اتفاق تلخی که برای یک فوتبالیست مشهور فلسطینی افتاد، مربوط به سلیمان العُبید است که در تاریخ ۱۶ مردادماه رخ داد؛ او در نوار غزه به شهادت رسید. ماجرا از این قرار است که سلیمان العُبید، بازیکن پیشین فوتبال فلسطین که به «پله فلسطین» شهرت داشت، بر اثر شلیک نیروهای ارتش اسرائیل در نوار غزه کشته شد. سلیمان العُبید، بازیکن محبوب فوتبال فلسطین، روز پنج‌شنبه ۱۶ مردادماه ۱۴۰۴ در جریان حمله نیروهای اسرائیلی حین تلاش برای دریافت کمک‌های انسانی در منطقه بیت‌لَهیا در شمال غزه به ضرب گلوله کشته شد. این ورزشکار برجسته که به‌دلیل مهارت‌های استثنایی‌اش به «پله فلسطین» و «غزال» شهرت داشت، درحالی‌که در انتظار دریافت کمک‌های بشردوستانه در جنوب نوار غزه بود، هدف نظامیان صهیونیستی قرار گرفت و جان باخت. سلیمان العُبید، هنگام خروج از اردوگاه بیت‌لَهیا برای دریافت بسته‌های غذایی، هدف تیراندازی قرار گرفت. خانواده او و هم‌تیمی‌هایش اعلام کرده‌اند که هیچ هشداری پیش از تیراندازی از سوی نظامیان اسرائیلی دریافت نکرده و این اقدام، مصداق بارز تروریسم دولتی است. کنفدراسیون فوتبال آسیا با انتشار بیانیه‌ای، از شرایط غیرانسانی حاکم بر غزه ابراز تأسف عمیق کرد و از تمام کشورهای عضو خواست تا ضمن توقف هرگونه تعامل با باشگاه‌ها و فدراسیون‌های اسرائیلی، فشارهای دیپلماتیک خود را برای پایان‌دادن به تجاوزات گسترش دهند.

واکنش اسطوره‌های دنیای فوتبال

شهادت فوتبالیست مشهور فلسطینی اما این‌بار بایکوت خبری نشد؛ چراکه ورزشکاران مشهور دنیا نسبت به این اتفاق واکنش نشان دادند. طبعاً با واکنش ستاره‌های مشهور دنیا، اگر رسانه‌ای بخواهد بایکوت خبری کند هم در توانش نیست. سلیمان العُبید ۴۱ ساله، «پله فلسطینی»، درحالی‌که منتظر کمک در غزه بود، توسط ارتش صهیونیستی به شهادت رسید؛ این درحالی است که یوفا در پیام تسلیت به‌خاطر شهادت او، به نحوه یا عامل شهادت‌اش اشاره‌ای نکرد. محمد صلاح علیه توئیت یوفا در سوگ «پله فلسطینی»، نظر طعنه‌آمیزی منتشر کرد که مورد تحسین گسترده طرفدارانش قرار گرفت. در توئیت یوفا آمده است: «خداحافظ سلیمان العُبید، «پله فلسطینی»». صلاح در بازنشر این پست، با لحنی کنایه‌آمیز از نهاد حاکم بر فوتبال اروپا می‌پرسد: «می‌توانید به ما بگویید که او چگونه، کجا و چرا درگذشت؟» این اظهارنظر کنایه‌آمیز صلاح با تحسین بسیاری از هوادارانش روبه‌رو شد. از دیگر چهره‌های سرشناس دنیای فوتبال که نسبت به کشتار غیرنظامیان فلسطینی توسط ارتش اسرائیل واکنش نشان داد اریک کانتونا، اسطوره فوتبال فرانسه، است که بی‌پروا نسبت به این ماجرا مطلب نوشت. اریک کانتونا، ستاره پیشین منچستریونایتد، با انتشار پستی در واکنش به این جنایت، نوشت: «اسرائیل سلیمان العُبید، ستاره فلسطینی را کشت. تا کی جهان این جنایات را نادیده خواهد گرفت؟»

حذف فوتبال فلسطین با تصمیمی جنجالی

فوتبال فلسطین باوجود جنگ‌های پیاپی ناخواسته‌ای که گریبانش را گرفته، اما طی سالیان اخیر سعی کرده رشد قابل‌توجهی داشته باشد. تیم ملی فوتبال این کشور می‌توانست حتی راهی جام جهانی آمریکا شود و شگفتی باورنکردنی را رقم بزند اما یک پنالتی بحث‌برانگیز باعث شد تا رویای صعود این تیم به جام جهانی بر باد برود. تیم ملی فوتبال فلسطین در آخرین بازی مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ در شرایطی برابر عمان قرار گرفته بود که تا دقیقه ۹۷ با نتیجه یک بر صفر پیش بود. اما تصمیم جنجال‌برانگیز داور ایرانی، «موعود بنیادی‌فرد»، در وقت‌های اضافه مبنی بر اعلام پنالتی به سود عمان، تمام آرزوهای فلسطین برای حضور در جام جهانی را از بین برد. در ادامه، بازیکن عمان «عصام الصبحی»، ضربه پنالتی را تبدیل به گُل کرد تا بازی با نتیجه یک بر یک به پایان برسد؛ نتیجه‌ای که حذف فلسطین و صعود عمان به مرحله بعد را رقم زد. این تصمیم داوری، واکنش شدید فدراسیون فوتبال فلسطین را به‌دنبال داشت و این نهاد با انتقاد از عملکرد داور، اعلام کرد: «بررسی کامل تصاویر ویدئویی و بازبینی‌های مختلف نشان می‌دهد که خطای پنالتی اعلام‌شده فاقد شرایط لازم داوری و معیارهای فنی مورد قبول بود و مشخصاً تصمیمی ناعادلانه برای تیم ملی فلسطین رقم خورد.» فدراسیون فوتبال فلسطین با تسلیم شکایت رسمی خواستار تحقیقات دقیق و بازنگری در عملکرد داوران شده است تا عدالت ورزشی رعایت شود و سلامت رقابت‌ها تضمین گردد. بااین‌حال حذف فلسطین از این رقابت، برای هواداران این کشور بسیار تلخ بود و یک‌بار دیگر فوتبال غرب آسیا شاهد صحنه‌ای پُرحاشیه شد.

جامعه جهانی خواستار حذف اسرائیل

درگذشت و البته شهادت پله فلسطین اما بازتاب باورنکردنی‌ای در رسانه‌های دنیا داشت تا جایی که سرانجام فرانچسکا آلبانیز، ناظر و گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، خواستار اخراج تیم‌های ورزشی رژیم صهیونیستی از رقابت‌های بین‌المللی شد. فرانچسکا آلبانیز گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در واکنش به شهادت بازیکن فوتبال فلسطین در حملات رژیم صهیونیستی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، خواستار اخراج تیم‌های صهیونیستی از رقابت‌های ورزشی در سطح بین‌المللی شد. خانم آلبانیز طی ماه‌های اخیر بارها نسبت به کشتار وحشتناکی که در نوار غزه توسط اسرائیلی‌ها اتفاق افتاده، هشدار داده و این روند تلخ و غیرانسانی را محکوم کرده بود. او در پیام اخیرش نوشت: «زمان اخراج قاتلان از رقابت‌های ورزشی فرا رسیده است. بیایید ورزش را عاری از آپارتاید و نسل‌کشی کنیم. هربار یک توپ، یک ضربه.» منابع خبری از شهادت «سلیمان العُبید» کاپیتان و بازیکن سابق تیم ملی فوتبال فلسطین در حمله رژیم صهیونیستی خبر دادند. ستاره سابق تیم ملی فوتبال فلسطین که ۴۱ سال داشت، روز چهارشنبه توسط نیروهای اشغالگر قدس حین انتظار برای دریافت غذا در جنوب نوار غزه به شهادت رسید. طی روزهای اخیر وضعیت کمک‌رسانی به مردمان بی‌پناه نوار غزه در پناهگاه‌های تعیین‌شده با مشکل و سختی زیادی روبه‌رو شده و جامعه جهانی نسبت به یک نسل‌کشی گسترده در این منطقه هشدار جدی داده بود. باید دید آیا برای یک‌بار هم که شده جامعه جهانی نسبت به اتفاقات رخ‌داده در نوار غزه واکنش تعیین‌کننده نشان خواهد داد یا صرفاً براساس یک شعار پیش خواهد رفت؟

ادامه از صفحه اول

نمونهٔ دیگر آن، زیرزمین‌های بسیار عمیق در شهر شوشتر است که هنوز هم پابرجاست. زیرزمین خانه‌های محله‌های قدیمی با ده‌ها پله به عمق زمین می‌رسد و به یکدیگر وصل است. پرواضح است که این کار آن‌قدر امکان مقاومت و جابه‌جایی شهروندان و رزمندگان را فراهم می‌ساخت که دشمن را به ترک مخاصمه وادار می‌کرد. اگر در حملهٔ خلافت، دروازهٔ شوشتر گشوده شد، به‌واسطهٔ همکاری تنی چند از اهالی با آنها بود. نمونهٔ بارز دیگر شهر تخت‌جمشید است که در پناه کوه ساخته شده است و از هر سو نمی‌توان به آن حمله کرد. این جدای از راه‌های زیرزمینی و مخفی در آن است. مقصود آن است که در پهنهٔ گستردهٔ ایران، متناسب با شرایط محیطی، در کویر و جنگل و کوه و دشت، بسته به شرایط جغرافیایی، طراحی شهر و مناطق مسکونی به‌نحوی بود که زندگی از تجاوز دشمن تا حد امکان، در امان باشد؛ زیرا ایرانیان می‌دانستند پیوسته در معرض خطرند. باوجود این همه تجربیات تاریخی و تکرار مکرر دشمنی با این مردم و این سرزمین، شوربختانه، گاهی با رجزخوانی و بزرگ‌نمایی خود و عدم پیش‌بینی‌های لازم در برابر دشمن متجاوز و خون‌ریز سردرگم می‌ماندیم و حربه و ترفندی کارآمد برای دفاع از خود به معنای شهر و شهروندان کوچه و بازار نداشتیم. در جریان‌های اخیر، به‌رغم موفقیت‌های موشکی، چندان اثری از آمادگی دفاعی پدافند دفاع عامل و غیرعامل دیده نمی‌شد؛ با آنکه در آن سال‌هایی که به‌عنوان نمایندهٔ مردم پایتخت در شورای شهر تهران بودم، بارها بر سر این مسائل جلساتی کاری و همراه با مصوباتی داشتیم. در همین واقعهٔ اخیر، یکی از دوستان من از ناحیهٔ دو دست و صورت آسیب دید و مجبور شدند از پوست قسمتی از پای وی برای ترمیم دست‌ها بردارند و چندین عمل جراحی دشوار انجام دهند. شدت درد به‌حدی بود که بیمار جوان گرفتار رعشه‌ای می‌شد که با هیچ آرام‌بخشی قرار نمی‌گرفت. برخی دوستان وی، جز آنهاکه شهید شدند، شرایطی ناگوارتر دارند؛ پوست صورت آنها به کلی سوخته و چشم‌هایشان به‌شدت آسیب دیده است و احیاناً، نابینا شده‌اند. بحث بر سر آن است که چرا کسی آنها را برای حفاظت از جان خود راهنمایی نکرده بود و پناه و پناهگاه نداده است. اصلاً پناهگاه‌های شهری و غیرشهری در کجا قرار داشتند؛ بلکه بر عکس آنها را در یک جا گرد آوردند و دشمنی که نشانی و ساعت حضور فرماندهان را در جلساتی به کلی سرّی می‌دانست، آیا از جمع‌شدن این همه نیروی نظامی در زیر یک سقف بی‌خبر بود. نمونه‌هایی از این دست کم نیستند. ظاهراً ما به تجدیدنظر در برخی از باورهای خود نیاز داریم. درعین اینکه شجاعت و دلیری ستودنی است و میراث گران‌قدر پهلوانان این مرز و بوم است، اما این نوع اقدامات نیازمند تدبیر و سیاست و برنامه‌ریزی است، نه تبلیغ و تهییج که گاهی به غفلت از واقعیت‌ها می‌انجامد. این ایام مناسب است که یادی از حسین سیدالشهداء(ع) بکنیم؛ حضرت پیش از نبردی که خود آغازکنندهٔ آن نبود، با توجه به شرایط محیطی و امکانات در دسترس با خندق و آتش، دور خیام حرم را از هجوم دشمن نگه داشت و چندان دربارهٔ زنان و کودکان و دیگر بازماندگان حساس بود که تا خود زنده بود، کسی را یارای تعرض به آنها نبود. ما برای دفاع از زنان و کودکان و دیگر مردمان در برابر حملهٔ دشمن خون‌ریز و کودک‌کش چه تدابیری اندیشیده‌ایم؟! کسانی که به سن و سال من هستند، به‌خوبی به یاد دارند که در زمان حملهٔ بعثی‌ها، دست‌کم آژیر خطر نواخته می‌شد و آموزش استفاده از پناهگاه در مدارس و صداوسیما وجود داشت. جدای از آنکه بعدها شهرداری‌ها مکان‌هایی برای این وضعیت ساخته بودند و راهکار ذخیره‌سازی آب در صورت قطع آب شهری پیش‌بینی شده بود. افزون بر آن، به رغم هشت سال دفاع از سرزمین‌مان، دولت در تهیهٔ ارزاق عمومی هیچ کوتاهی نداشت. هرچند گفتنی است که عملکرد دولت فعلی در نبرد دوازده‌روزه در این زمینه نیز قابل قبول است. به هر حال، در آن نبرد هشت‌ساله، ازجمله به‌سبب آموزش‌های مدرسه‌ای و رسانه‌ای اوضاع شهر و شهروندان به‌مراتب بهتر بود و شهدای کمتری داشتیم. به‌جز شهرهای مرزی که در عمل میدان کارزار بودند. در نبرد اخیر با آنکه زیرساخت مهمی همچون فضای مترو در شهرهای بزرگ در دسترس بود، اما عملاً از آن استفاده نشد و امکان بهره‌برداری هم وجود نداشت؛ زیرا آنجا را در حد پاسخ‌گویی به نیازهای اولیه هم آماده نکرده بودند. البته در این میان، وزارت بهداشت رویهٔ شایسته و مناسبی در پیش گرفت و به‌سرعت اعلام کرد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها آمادهٔ پذیرش مجروحان و آسیب‌دیدگان هستند و این همه را مدیون پزشکان و کادر فداکار مرکز درمانی هستیم که هرچند به‌تازگی از زیر ضرب مهلک کرونا رها شده بودند، باز هم در کنار مردم ماندند. طرفه آنکه رسانه‌ها و خبرنگاران و حتی روزنامه‌نگاران آزاد و منتقد در همین ایام، فداکارانه به عرصه آمدند و در کنار مردم ماندند و سنگ تمام گذاشتند و گزارش‌های تأثیرگذاری دادند که تحسین همگان را برانگیخت و نشان داد که وقتی پای ایران در میان است، هیچ کس پای خود را کنار نمی‌کشد و بر طبل جدایی‌ها نمی‌کوبد؛ بگذریم از آنکه دستگاه اجرایی نتوانست از این همه ظرفیت به‌خوبی و به موقع، بهره ببرد و چندان امکان فیلم‌برداری و عکس‌برداری به عکاسان داده نشد تا سند جنایت صهیونیست‌ها را ثبت و آشکار کنند؛ گفتنی است که در روزهای پایانی جنگ، اهمیت مستندسازی و نبرد رسانه‌ای معلوم شد و حتی از خبرنگاران خارجی دعوت به عمل آمد. جامعهٔ فرهنگی ـ هنری همچون ارکستر سمفونیک تهران شجاعانه، در روزهای دشوار وارد عرصه شد و سرودهای ملی را در اماکن عمومی نواخت و شوری در شهر خاموش درافکند. ما به‌درستی شهادت ده‌ها تن از فرماندهان و دانشگاهیان را در کانون توجه قرار داده‌ایم؛ اما شهادت صدها تن از شهروندان و هزاران مجروح و مال‌باخته و آسیب‌دیدگان از حملات دشمن و حتی دیگر اعضای نیروهای مسلح کمابیش، به حاشیه رفته است. به هر حال، آنچه گذشت، به‌روشنی ثابت کرد که نمی‌توان دلواپس امروز و فردا نبود و احساس امنیت داشت و در سواحل دریای فلان ناف دشمن را نشانه رفت! دشمنی که همین روزها، در کنار مرزهای ما، به قول خودش، خیمهٔ ۹۹ ساله زده و حتی به ساختار درونی ما رخنه کرده است. باید برای خشکسالی و دروغ و دشمن نگران بود. ما با دشمنی خون‌ریز و افسارگسیخته و البته پرقدرت رودررو هستیم. تجربهٔ تاریخی ما نشان می‌دهد در این رودررویی، به غیر نمی‌توان تکیه کرد و از انبوه ایران و ایرانیان از هر گروه و قوم و قبیله و مذهب و زبان و گرایش غافل ماند. مراقب باشیم که رسیدگی به شهرها و شهروندان و شهدا و جانبازان و مال‌باختگان در مسیرهای پرپیچ‌وخم بوروکراسی اداری گرفتار نشود و از دیگران مانند دوست من نخواهند که برای رسیدگی به وضع دشوار دست و صورت و جراحی‌های مکرر بارها و بارها به پزشکی قانونی مراجعه و تأیید آنها را کند. یادمان باشد که مهم ایران و ایرانیان هستند و برای رضایت مردم و کاهش صدمات حملات احتمالی، کمترین انتظار این است که وضعیت موجود ارزیابی و راه‌های نفوذ دشمن شناسایی و بسته شود و طرح‌هایی که رنج و نارضایتی مردم را در پی دارد متوقف شود و برای حفظ جان شهروندان، امکانات موجود شهری و غیر آن بازبینی، تجهیز و به کار گرفته شود.